

چکیده مقاله:

این مقاله، شامل یک مقدمه و سه بخش است:

در مقدمه کلیات و مفاهیم تحقیق، اهمیت موضوع، تعریف مدیریت فرهنگی مسجد و تاریخچه و نحوه انتخاب مدیریت فرهنگی مسجد بیان می‌گردد.

در بخش اول، وظایف و اصول دوازده‌گانه مدیریت فرهنگی مطرح می‌شود که دانستن و به‌کارگیری آن برای مدیر فرهنگی مسجد ضروری است.

در بخش دوم پنج نوع از مهم‌ترین معاونت‌ها یا کارکردهای مدیریت فرهنگی مسجد در پنج فصل بیان می‌گردد. در فصل اول که معاونت آموزشی- تربیتی است موارد زیر مطرح می‌شود: تاریخچه‌ی آموزش در مسجد از صدر اسلام تاکنون، علت‌های جدائی آموزش از مسجد، تاریخچه‌ی کتابخانه‌ی مسجد، ویژگی‌های آموزشی و تربیتی مسجد و عامل‌ها و مانع‌های جذب جوانان و نوجوانان به مسجد.

در فصل دوم که معاونت تبلیغی است، مهم‌ترین ابزارهای تبلیغ در اسلام، شرط‌های تأثیر پیام‌ها در تبلیغ، و روش‌های تبلیغ در قرآن بیان شده است.

در فصل سوم که معاونت بهداشتی- روانی است، به بهداشت ظاهری مسجد و عوامل بهداشت روانی در مسجد پرداخته شده است.

در فصل چهارم که معاونت مراسم‌ها و مناسبت‌ها است، نکته‌هایی درباره‌ی نحوه‌ی صحیح اجرا مراسم‌ها گفته‌ایم.

در فصل پنجم، درباره‌ی معاونت ارتباطات و اطلاع‌رسانی بحث می‌شود.

در بخش سوم، درباره‌ی آسیب‌شناسی مدیریت فرهنگی مسجد صحبت می‌کنیم که در این بخش بعد از تعریف آسیب‌شناسی و اهمیت و جایگاه آن برخی از مهم‌ترین آسیب‌های مدیریت فرهنگی مسجد مطرح خواهد شد.

کلیات و مفاهیم تحقیق

موضوع تحقیق و اهمیت آن:

یکی از بخش‌های مهم مدیریت مسجد «مدیریت فرهنگی مسجد» است. هر مجموعه‌ی فرهنگی که بخواهد موفق باشد، به مدیریتی متناسب با آن مجموعه نیاز دارد؛ زیرا در عصر کنونی، بدون علم مدیریت نمی‌توان در هیچ کار اجتماعی، چه فرهنگی و چه غیر آن، موفق بود.

با مدیریت قوی و کارآمد می‌توان به حداکثر بهره‌وری از امکانات موجود رسید و با ایجاد تعامل و هماهنگی بین همه‌ی اجزاء و اعضاء مجموعه، شاهد مدیریتی موفق بود. به‌طورقطع، می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین عامل‌های موفقیت و یا ناموفقیت مسجدها، به‌خصوص در کارکرد فرهنگی آنها، در این نکته نهفته است. «مدیریت فرهنگی مسجد» نقشی بنیادین در عملی‌شدن برنامه‌های مسجد دارد؛ لذا مدیریت فرهنگی هر مسجد باید با برنامه‌ریزی جامع و منطقی و با

بهره‌بردن از کارشناسان و صاحب‌نظران و مشاوران در زمینه‌های مختلف دینی، اخلاقی، اعتقادی اجتماعی، اقتصادی، روانشناسی و... برنامه‌های فرهنگی مسجد را تدوین و اجرا کند تا در کوتاه‌ترین زمان ممکن زمینه‌ی جذب و ارشاد و هدایت افراد فراهم شود.

• مسائل تحقیق

مدیر فرهنگی مسجد کیست و چه وظیفه‌هایی بر عهده دارد؟

۱. مدیر فرهنگی مسجد چگونه باید به وظیفه‌ی خود عمل کند و در پی هدف‌هایش باشد؟

۲. زیر مجموعه‌ی مدیریت فرهنگی مسجد چیست؟

۳. مهم‌ترین آسیب‌های مدیریت فرهنگی مسجد چیست؟

۴. راهکارهای پیشگیری و درمان آسیب‌های مدیریت فرهنگی مسجد چیست؟

قبل از ورود به بحث، یادآوری چند نکته ضروری است:

نکته‌ی اول: «مدیریت مسجد» بعدها‌ی گوناگونی دارد. شاید بتوان گفت به تعداد نقش‌های مسجد مدیریت خاص وجود دارد؛ مثل: مدیریت عبادی، مدیریت تبلیغی، مدیریت سیاسی، مدیریت عمرانی و اقتصادی، مدیریت فرهنگی. از این‌رو، تبیین «مدیریت مسجد»، مقاله‌ای مستقل و مفصل می‌طلبد که اکنون در پی آن نیستیم؛ بلکه بحث ما درباره‌ی برخی از مسأله‌های مهم «مدیریت فرهنگی مسجد» است.

نکته‌ی دوم: در این تحقیق، به‌جای عنوان «کارکردهای فرهنگی مسجد» عنوان «معاونت‌های فرهنگی مسجد» را به کار برده‌ایم؛ زیرا هر مدیریتی به معاونت‌هایی نیاز دارد تا برنامه‌های خود را عملی سازد. لذا اصطلاح «معاونت» با عنوان «مدیریت» سازگارتر از «کارکرد» است. علاوه‌براینکه، در واژه‌ی «کارکرد» بیشتر معنای قابلیت‌های مسجد برای انجام فعالیت‌های مختلف مطرح هست؛ ولی عنوان «معاونت» به نحوه‌ی اجرا برنامه‌ها و طرح‌ها بیشتر توجه دارد.

نکته‌ی سوم: گرچه در بخش دوم مقاله، پنج معاونت برای مدیریت فرهنگی مسجد ذکر شده است؛ معاونت‌های فرهنگی، منحصر در این پنج قسم نیست و ذکر این پنج قسم از باب اهمیت ویژه‌ی آنهاست.

نکته‌ی چهارم: در روایات آمده است که مسجدها برای درک قرآن بنا شده‌اند «إِنَّمَا نُصِبَتِ الْمَسَاجِدُ لِلْقُرْآنِ»^۱ یعنی باید هدف همه‌ی برنامه‌های مسجد نشر و فهم معارف قرآن باشد. مهم‌ترین وظیفه‌ی مدیر فرهنگی این است که برنامه‌های مسجد را به گونه‌ای طراحی و سازماندهی نکند که در این مسیر حرکت کنند.

• تعریف مدیریت فرهنگی مسجد

«مدیریت» در لغت به معنای توانایی اداره کردن سازمان و در اصطلاح به معنای هماهنگ کردن منابع انسانی و مادی برای نیل به هدف است.^۲ فرهنگ در لغت به معنای آداب و اخلاق است.^۳ یکی از بهترین تعریف‌های کار فرهنگی این است که

۱. بحارالانوار، ج ۸۳، ص ۳۶۳.

۲. سازمان و مدیریت، دکتر علی اقتداری، ص ۶۱.

۳. فرهنگ معین، ج ۲، ص ۲۵۳۸.

فعالیت فرهنگی به معنای مجموعه‌ای از برنامه‌های تربیتی است که از شاخص‌های هدفمند، ایزارمند و روشمند و مستمر برخوردار باشد و کادر مربیگری متعهدی مسئول اجرای آن است. در این تعریف، پنج مؤلفه‌ی مهم وجود دارد.

۱- تربیتی‌بودن، ۲- هدفمند، ۳- ایزارمند، ۴- روشمند، ۵- استمرار و تداوم داشتن.

با توجه به تعریف «فرهنگ»، «مدیریت» و «فعالیت فرهنگی»، «مدیریت فرهنگی مسجد» عبارت است از توانایی اداره‌ی همه‌ی فعالیت‌های مسجد؛ به نحوی که مدیر بتواند بین منابع انسانی (نیروها و کادر فرهنگی مسجد) و منابع مادی، تعامل و هماهنگی ایجاد کند تا به هدف برسد که رشد و تعالی انسان‌ها به سوی کمال و معنویت و معرفت حق است.

• مدیر فرهنگی مسجد کیست؟

مسجد کانون فرهنگی و سرچشمه‌ی نشر معارف اسلام و تعلیم و تربیت است. اکنون پرسش این است که مدیریت چنین سازمان والای معنوی بر عهده‌ی کیست؟

کسی صلاحیت و شایستگی مدیریت فرهنگی مسجد را دارد که پنج ویژگی مهم دارد:

۱. به معارف اسلامی از همه آشناتر و آگاه‌تر باشد؛

۲. علاوه بر آشنایی با علم مدیریت، از ذوق و استعداد و تجربه‌ی مدیریتی نیز برخوردار باشد؛

۳. مقبولیت و محبوبیت اجتماعی داشته باشد؛

۴. با ابزارهای فرهنگی روز آشنا باشد.

۵. گفتار و کردارش منطبق باشد.

از سویی، به‌طور معمول، اهالی محله و به‌ویژه نمازگزاران به امام جماعت مسجد اطمینان و اعتماد دارند و از سویی دیگر او به معارف دینی آشناتر است و همچنین به‌علت دارا بودن منصب امامت جماعت باید عادل و متقی باشد و آشنا به علم روز باشد. بنابراین، بهترین و شایسته‌ترین گزینه برای منصب مدیریت فرهنگی مسجد امام جماعت است که رکن اساسی مسجد محسوب می‌شود؛ اما امروزه مدیریت مسجدها به‌دست خادمان و هیأت‌امنا است. البته، گاهی هم مدیریت مسجد، ترکیبی از این سه گروه است.

نه‌تنها امام جماعت باید مدیریت مسجد را به‌عهده داشته باشد که با توجه به رسالتش، مدیر و رهبر معنوی کل محدوده‌ی تحت پوشش مسجد نیز هست. بنابراین امامان جماعت که مدیریت مهم‌ترین کانون توحید و عمومی‌ترین مرکز آموزش تعلیمات مذهبی را به‌عهده دارند، باید روش‌های مدیریت را بیاموزند؛ تا بتوانند افراد را در رسیدن به رشد و تکامل معنوی یاری کنند.

انتخاب امام جماعت مسجد با پیشنهاد مردم و هیأت‌امنا مسجد و با تصویب مرکز رسیدگی به امور مساجد انجام می‌شود یکی از وظیفه‌هایش نصب و عزل امام جماعت است.

• بخش نخست:

وظیفه و اصول مدیریت فرهنگی مسجد

مدیریت، همچون دانش‌های دیگر، اصول و روش‌هایی دارد که فراگیری و به کار بستن آن مدیر را در انجام مسئولیت یاری خواهد کرد. در این باره به اختصار اصل‌های دوازده‌گانه‌ی مدیریت را ذکر می‌کنیم که برگرفته از آیات و روایات است تا مدیر فرهنگی مسجد بتواند با به کار گرفتن آن‌ها مسجد را به بهترین شیوه مدیریت کند.

اصل اول: شناخت هدف‌ها و وظیفه‌ها

اولین وظیفه‌ی هر مدیر آن است که از شرح وظیفه‌هایش آگاه شود و به تفصیل هدف‌هایی را بشناسد که برای دستیابی به آن‌ها تلاش می‌کند. بر این اساس، مدیر باید، با تسلط کامل بر جزئیات هدف‌ها و وظیفه‌ها، مسئولیتش بشناسد و با بصیرت کامل عمل کند.

امام صادق (علیه‌السلام) در این باره می‌فرماید:

«الْعَامِلُ عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ طَرِيقٍ لَا يَزِيدُهُ سُرْعَةُ السَّيْرِ إِلَّا بُعْدًا»^۴

هر کس بدون بصیرت و آگاهی عمل کند، مانند کسی است که بیراهه می‌رود و هرچه شتاب کند از هدف دورتر می‌شود.

اصل دوم: طرح و برنامه‌ریزی

برنامه‌ریزی مهم است؛ زیرا: جهت می‌دهد، چهارچوبی وحدت بخش به وجود می‌آورد، به پیش فرض‌ها و جلوگیری از خطرهای آینده کمک می‌کند و معیاری برای عملکرد عرضه می‌کند.^۵ قرآن می‌فرماید:

«وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى...»^۶

هیچ رسول و پیامبری را نفرستادیم جز اینکه آرزو می‌کرد [و طرحی برای هدف‌های رسالت خود می‌ریخت]. یعنی، همه‌ی پیامبران الهی نیز برای پیشبرد هدف‌های خود آرزوهایی در ذهن داشتند. مدیر فرهنگی باید برای انجام هدف‌ها و عمل به وظیفه‌ها طرح و برنامه داشته باشد؛ چنان‌که علی (علیه‌السلام) می‌فرماید:

«قَدَّرْتُ ثُمَّ أَقْطَعُ وَفَكَّرْتُ ثُمَّ أَنْطِقُ وَتَبَيَّنْتُ ثُمَّ أَعْمَلُ»^۷

ابتدا بیان‌دیش، آنگاه سخن بگو و ابتدا راه را روشن کن، آنگاه در مقام عمل برآی. امام جماعت در جایگاه مدیر فرهنگی مسجد باید برای همه‌ی فعالیت‌های فرهنگی مسجد طرح و برنامه‌ی سالانه و مشخص داشته باشد و از همه‌ی امکانات و منابع بهره‌بردار.

پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به ابن مسعود می‌فرماید:

«يَا ابْنَ مَسْعُودٍ إِذَا عَمِلْتَ عَمَلًا فَأَعْمَلْ بِعِلْمٍ وَعَقْلٍ وَإِيَّاكَ وَ أَنْ تَعْمَلَ عَمَلًا بِغَيْرِ تَدْبِيرٍ وَعِلْمٍ»^۸

^۴ «اصول کافی»، ج ۱، ص ۵۴. المحاسن / ج ۱ / ۱۹۸ / ۲ باب المعرفة

^۵ مبانی مدیریت، ص ۴۴، گری دلسر، ترجمه داود مدنی،

^۶ سوره حج آیه ۵۲.

^۷ «غررالحکم و دررالکلم»، ج ۲، ص ۵۸۳.

این اصول دوازده‌گانه با استفاده از کتب مدیریتی زیر تنظیم شده است: (مبانی مدیریت، ص ۴۴، سازمان و مدیریت، ص ۶۱، رفتار سازمانی در نگاه مدیریت

اسلامی، ص ۸۰، مدیریت اسلامی، جزوه شماره ۴ ج ۳، ص ۲۱، اصول مدیریت، دکتر علی رضائیان، ج ۳، ص ۲۱

هرگاه کاری را انجام دادی از روی علم و عقل انجام ده و برحذر باش از اینکه کاری را بدون آینده‌نگری و آگاهی انجام دهی.

سه اصل در برنامه‌ریزی:

۱. باور به این مطلب که هر چیزی چاره و راهی دارد؛ (لِكُلِّ شَيْءٍ حِيلَةٌ)^۹
۲. ابزار واقعی و مهم برنامه‌ریزی فکر کردن است. (الْحِيلَةُ فَايِدَةُ الْفِكْرِ)^{۱۰}
۳. اطلاعات و تجربیات. (مَنْ قَلَّتْ تَجْرِبَتُهُ خُدِعَ)^{۱۱}

برنامه‌ریزی دارای دو رکن اساسی است: الف- هدف‌ها ب- پیش‌بینی

رکن اول برنامه‌ریزی داشتن هدف است؛ زیرا شناخت هدف‌ها برای هر انسان عاقلی در امور شخصی و اجتماعی لازم و ضروری است. با توجه به این رکن از برنامه‌ریزی، برنامه‌های فرهنگی در مسجد باید دارای هدف‌هایی الهی باشد؛ مانند: هدایت انسان‌ها به سوی یکتاپرستی^{۱۲} و دوری از طاغوت؛ تعلیم کتاب و حکمت؛ و تزکیه^{۱۳} و قیام به قسط و عدل.^{۱۴} رکن دوم برنامه پیش‌بینی است؛ یعنی مدیر فرهنگی مسجد بتواند بهترین راه و عملی‌ترین شیوه‌ی رسیدن به هدف‌ها را پیش‌بینی کند و با تیزهوشی مشکلات راه را حدس بزند و برنامه را به گونه‌ای تهیه کند که در هنگام اجرا با مشکل کمتری مواجه گردد.

برنامه‌ریزی دارای مراحل زیر است:

۱- تعیین هدف‌ها، ۲- ممکن‌الوصول بودن، ۳- تنظیم هدف‌ها بر مبنای اولویت، ۴- تبدیل هدف به صورت

شرح عملیات (مشخص کردن زمان لازم برای وصول به هدف‌ها، ارزشیابی منابع انسانی و...) ^{۱۵}

اصل سوم: جمع‌آوری اطلاعات (داده‌ها)

آمار و اطلاعات لازم، نقشی مهم در برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و انتخاب روش مدیریت دارد؛ لذا سومین وظیفه‌ی مدیر آن است که آمار لازم را از منابع مختلف جمع‌آوری کند. مدیر باید از بودجه‌ی امکانات، نیروهای انسانی، برنامه‌های اجراء‌شده‌ی قبلی، به‌طور کامل، اطلاع پیدا و آنگاه اقدام کند.

علی (علیه‌السلام) در این باره می‌فرماید: «قَدَّرْتُكُمْ أَقْطَعُ»^{۱۶}.

ابتدا هر کار را اندازه‌گیری کن، آنگاه تصمیم بگیر.

^۸ «بحار الانوار»، ج ۷۴، ص ۱۱۰.

^۹ غرر الحکم و دررالکلم، ش ۷۲۹۱.

^{۱۰} «همان»، ش ۴۰۲.

^{۱۱} «همان»، ش ۷۸۹۹.

^{۱۲} سوره نحل، آیه ۳۶.

^{۱۳} سوره جمعه، آیه ۲.

^{۱۴} سوره حدید، آیه ۲۶.

^{۱۵} اصول مدیریت، ج ۳، ص ۲۱.

^{۱۶} «غررالحکم و دررالکلم»، ج ۲، ص ۵۳۸.

براین اساس، امام جماعت باید از همه‌ی امور مسجد (فعالیت هیئت امنا، بسیج، معتمدان محل، مدرسه‌ها و مرکزهای فرهنگی و تفریحی محدوده‌ی مسجد و همچنین وضعیت فرهنگی آن منطقه) اطلاع کامل داشته باشد و عوامل مؤثر در مسجد، محل، و منطقه را به‌خوبی بشناسد.

اصل چهارم: تصمیم‌گیری و مشورت

مدیر باید قبل از هر چیز برای انجام وظیفه‌هایی که بر عهده دارد تصمیم‌هایی بگیرد که در این راه چهار گام اساسی وجود دارد: ۱- تشخیص مشکل اصلی، ۲- ارائه‌ی راه‌حل‌ها ۳- تحلیل راه‌حل‌ها، ۴- اتخاذ تصمیم نهائی. همچنین، مدیر باید با افراد آگاه و صالح مشورت کند. خداوند متعال به پیامبر (علیه‌السلام) دستور می‌دهد:

«... وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ»^{۱۷}

با آنان در کار (جنگ) مشورت کن و چون تصمیم گرفتی، بر خدا توکل کن؛ همانا خدا توکل‌کنندگان را دوست دارد.

البته، باید با کارشناسان و صاحبان خرد و تجربه مشاوره کرد و از مشورت با افرادی پرهیز کرد که صلاحیت ندارند. امام جماعت باید با هیئت امنا، بسیجیان، جوانان و دست‌اندرکاران و حتی نمازگزاران به مشورت پردازد، آنگاه تصمیم بگیرد و از تحمیل نظر خویش پرهیزد.

اصل پنجم: تقسیم کار

به جای اینکه یک نفر کارها را انجام دهد، باید آن را به مرحله‌های متعدد تقسیم کرد و هر مرحله را بر عهده‌ی فردی خاص گذاشت. به‌این ترتیب، کارها به بهترین صورت انجام می‌گیرد؛ زیرا تقسیم کار براساس تخصص است. این تخصص گاهی اولیه است یعنی فرد در آن زمینه تخصص دارد؛ و گاهی ثانویه است یعنی تخصص ندارد اما با گذشت زمان در آن کار تخصص پیدا می‌کند. قرآن کریم نیز، به‌هنگام بیان مدیران جهان ماده، نظم، ترتیب و تقسیم کار را بیان می‌فرماید:

«وَالذَّارِيَاتِ ذُرُوءًا * فَالْحَامِلَاتِ وِقْرًا * فَالْجَارِيَاتِ يُسْرًا * فَالْمُقَسَّمَاتِ أَمْرًا»^{۱۸}

سوگند به بادهایی که ابر و خاک را در سطح زمین می‌پراکنند * سوگند به ابرها که در جو سنگین (آب) را حمل می‌کنند و سوگند به کشتی‌ها که به آسانی روانند، * سوگند (فرشتگان) تقسیم‌کننده‌ی کار که کارها و وظیفه‌ها را بین خود تقسیم می‌کنند.^{۱۹}

مدیر باید کارها را بین افراد تقسیم و هر وظیفه را به کسی واگذار کند که بینش و تخصص لازم را دارا باشد. مدیر باید انجام امور جزئی را به دیگران واگذار کند و به امور مهم پردازد. عدم رعایت این نکته توهین به دیگران تلقی و باعث دلسردی افراد و پراکندگی آنان می‌شود. براین اساس، امام جماعت نباید متصدی انجام همه‌ی امور مسجد گردد؛ بلکه

^{۱۷} سوره آل عمران، آیه ۱۵۹.

^{۱۸} سوره ذاریات، آیات ۱ تا ۴.

^{۱۹} رفتار سازمانی در نگاه مدیریت اسلامی، ص ۸۰ غلامرضا ویسی، محمد علی سوادی.

باید تاحدامکان، همه‌ی افراد را با نظم و ترتیبی خاص در اداری امور مسجد مشارکت دهد. با این کار، او علاوه بر استفاده از فکر و توان همگان و شخصیت دادن به آن‌ها، با سرعت بیشتری، به کمال مطلوب دست می‌یابد.

اصل ششم: کنترل و نظارت

مدیر باید، به صورت آشکار و پنهان، برحسب انجام کارها نظارت داشته باشد و اطرافیان را کنترل نماید. در کنترل دو مسأله‌ی اساسی و محوری وجود دارد: یکی نظارت و ارزیابی نتایج و دیگری پیگیری درباره‌ی ارزیابی‌های به عمل آمده و انجام دادن اصلاحات لازم. حضرت علی (علیه السلام) درباره‌ی کنترل و نظارت می‌فرماید:

«ای مالک در امور کارگزاران خویش نظارت کن و پس از آزمایش آنان را به کار بگمار و بر آنان افراد صادق و با وفایی را به عنوان چشم (به صورت مخفی) بگمار.»^{۲۰}

اصل هفتم: سنجش و ارزیابی

همواره، مدیر باید طرح‌ها و شیوه‌های اجرایی و ارزیابی آن‌ها را بسنجد و شناخت مشکل‌ها و مانع‌های اجرایی برای رفع آن‌ها بکوشد. مهم‌ترین نکته‌ای که در سنجش و ارزیابی وجود دارد، مسأله محکم کاری و صحت امور است. لقمان، در سفارش به پسرش درباره‌ی نظارت خداوند بر اعمال انسان، می‌گوید:

«يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ»^{۲۱}

ای پسرک من اگر [عمل تو] هموزن دانه‌ی خردلی و در تخته‌سنگی یا در آسمان‌ها یا در زمین باشد، خدا آن را می‌آورد که خدا بس دقیق و آگاه است.

ارزیاب کامل همه‌ی کارها و برنامه‌ها را بررسی می‌کند؛ لذا امام جماعت کامل باید آثار برنامه‌های اجراء شده را به صورت دقیق بررسی کند، با ارزیابی و سنجش هیئت‌آئین به هدایت و تعلیم و تربیت آنان پردازد و در صورت لزوم، کادر مجرب‌تری انتخاب و جایگزین کند.

اصل هشتم: پیگیری و استقامت

پس از مرحله‌ی نظارت و ارزیابی، رکن دوم کنترل پیگیری و استقامت است. اگر ارزیابی انجام شود اما پیگیری نشود، هیچ فایده‌ای به جز اتلاف نیرو و امکانات به دنبال نخواهد داشت. به عبارت دیگر، ارزیابی و پیگیری همانند دو بال ارزشمند برای کنترل سازمان هستند و موجب پرواز سازمان به سوی هدف‌ها بلند می‌شود. مدیر باید بدون شتابزدگی کار را دنبال کند و در راه هدف استقامت ورزد. حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید:

«لَا إِصَابَةَ لِمَنْ لَا آثَانَ لَهُ»^{۲۲} کسی که تائی و حوصله کافی ندارد، به هدف نمی‌رسد.

نیز می‌فرماید: «يُظْفَرُ مَنْ يَحْتَلِمُ»^{۲۳} هر کس استقامت کند، پیروز می‌شود.

^{۲۰} «نهج البلاغه»، صبحی صالح، ص ۴۳۵.

^{۲۱} سوره لقمان، آیه ۱۶.

^{۲۲} «غررالحکم و دررالکلم»، ج ۶، ص ۴۰۲.

^{۲۳} «نهج البلاغه صبحی صالح»، ص ۵۲۵.

اصل نهم: انعطاف‌پذیری در اجرا

برنامه‌ریزی اگرچه دقیق و با اطلاع کامل و پس از مشورت انجام شده باشد، ممکن است در مقام اجرا با مشکل‌هایی مواجه شود که در برنامه پیش‌بینی نشده است. در این صورت، مدیر نباید بر اجرای برنامه اصرار ورزد یا مایوس، سرخورده و مضطرب شود؛ بلکه باید با حسن تدبیر و انعطافی عقلانی اجرای برنامه را دنبال کند.

اصل دهم: توسعه‌ی فعالیت

مدیر باید همواره در پی گسترش تدریجی دامنه‌ی تلاش‌های خود باشد. امام جماعت باید با جذب همگان، فعالیت‌های دینی را به تدریج گسترش دهد و به فعالیت‌های جاری بسنده نکند.

اصل یازدهم: نظم و تقسیم زمان

مدیر باید کارها را با نظم و ترتیبی خاص سروسامان دهد تا از هم‌ریختگی و پاشیدگی امور جلوگیری کند. حضور به موقع، آغاز و انجام امور، مرتب ساختن وضعیت، علاوه بر پیشرفت و سرعت بخشیدن، اثراتی مثبت بر کارگزاران برجای می‌گذارد و آنان را به نظم هدایت می‌کند.

حضرت علی (علیه‌السلام) می‌فرماید:

«أَوْصِيكُمْمَا وَجَمِيعِ وَوَلَدِي وَ أَهْلِي وَ مَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَ نَظْمِ أَمْرِكُمْ»^{۲۴}

من شما، همه‌ی فرزندان و اهل خود، و هر که نامه‌ام به او می‌رسد را به، تقوای الهی و نظم در امور سفارش می‌کنم.

امام کاظم (علیه‌السلام) می‌فرماید:

سعی کنید وقتان را به چهار بخش تقسیم کنید: ساعتی را برای مناجات با خدا و ساعتی را برای تأمین هزینه‌ی زندگی و ساعتی را برای معاشرت با دوستان مورد اعتماد که شما را از عیوبتان با خبر می‌سازد و ساعتی را برای لذت‌های حلال اختصاص دهید؛ زیرا به وسیله‌ی این ساعت چهارم است که در آن سه ساعت دیگر موفق خواهید بود.^{۲۵}

امام جماعت باید به‌طور منظم در مسجد حضور یابد، هفته‌ای یک یا دو روز برای صحبت کردن معین سازد و برای اداره‌ی امور مسجد در هیئت‌أمن و بسیج شرکت کند. او باید برای پاسخ به سؤال‌ها و ارتباط‌های مردمی وقت بگذارد ساعت‌هایی را برای این کار مشخص کند.

اصل دوازدهم: ایجاد جذابیت و مشارکت مردم

مدیر باید مردم را جذب کند و از اموری دوری کند که موجب تنفر و پراکنده‌شدن مردم می‌گردد. برای مثال باید از موارد زیر دوری کند:

الف - تکبر و استبداد رأی، «مَنْ تَكَبَّرَ حَقْرًا»^{۲۶} هر کس تکبر ورزد خوار گردد.

ب - مباحثات و به خود بالیدن، «مَنْ رَضِيَ عَن نَفْسِهِ كَثُرَ السَّخَطُ عَلَيْهِ»^{۲۷}

^{۲۴} «همان»، ص ۴۲۱.

^{۲۵} «بحار الأنوار»، ج ۷۷، ص ۲۸۵ - بحار الأنوار (ط - بیروت) / ج ۷۵ / ۱۳

^{۲۶} «همان».

^{۲۷} «نهج البلاغه، صبحی صالح»، ص ۵۱۷.

هر کس از خود راضی باشد افراد زیادی از او خشمگین خواهند شد.

ج- خنده و شوخی بسیار «مَنْ كَثُرَ مِرَاحُهُ اسْتُخِفَّ»^{۲۸}

هر کس زیاد شوخی کند، دیگران او را کوچک و حقیر خواهند شمرد.

د- ستیزه جویی با مردم زیرا ستیزه جویی به نابودی می انجامد.

و- خلف وعده، شکستن عهد و دروغ

ز- گوشه گیری از همه و دوری از رحم.

ح- عدم شرکت در مجالس شادی و سوگواری مردم.

امام علی (علیه السلام) می فرماید: «أَعْجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ اكْتِسَابِ الْإِخْوَانِ»^{۲۹}

عاجزترین مردم کسی است که از به دست آوردن دوست ناتوان باشد.

بخش دوم

• معاونت‌های پنجگانه‌ی مدیریت فرهنگی مسجد

مسجد از صدر اسلام تاکنون مرکزی برای پیشبرد هدف‌های گوناگون اسلام بوده است. تحقق این هدف‌ها بدون برنامه‌ریزی دقیق و مستمر و بدون شناخت نیازها (به خصوص نیازهای قشر جوان و نوجوان) امکان‌پذیر نیست. از این رو، مدیر فرهنگی مسجد باید نیازهای مختلف اقشار گوناگون جامعه را شناسایی کند و برای عملی شدن برنامه‌ی رفع نیازها معاونت‌هایی ایجاد کند. با توجه به نیازهای مختلف فرهنگی مسجد، کارکردهای بسیاری در این باره ذکر شده است که مهم‌ترین آن‌ها پنج نوع کارکرد است که با عنوان معاونت‌های پنجگانه به آن خواهیم پرداخت:

۱- معاونت آموزشی- تربیتی؛

۲- معاونت تبلیغی؛

۳- معاونت بهداشتی- روانی؛

۴- معاونت مراسم‌ها و مناسبت‌ها؛

۵- معاونت ارتباطات و اطلاع‌رسانی.

یکی از مهم‌ترین کارکردهای مسجد کارکرد آموزشی- تربیتی مسجد است. در اسلام، بر مسأله‌ی تحصیل علم و تربیت و تزکیه، تأکید بسیاری شده است و طالب علم ثواب زیادی دارد؛ تزکیه و تعلیم، همواره دو بال پرواز در آسمان کمال انسانی‌اند. مسجد، در کنار انسان‌سازی و بُعد اخلاقی، همواره جایگاه و مهد علوم مختلف، به ویژه علوم دینی، بوده است. در اولین آیاتی که بر پیامبر (علیه السلام) نازل شد، مسأله‌ی (خواندن) مطرح می‌شود: «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ»^{۳۰} همچنین خداوند به عنوان اولین معلم معرفی شده است: (الرَّحْمَنُ * عَلَّمَ الْقُرْآنَ).^{۳۱} در جایی دیگر، قرآن در باره‌ی ارزش علم می‌فرماید:

^{۲۸} «بحار الانوار»، ج ۷۷، ص ۲۸۲.

^{۲۹} «بحار الانوار»، ج ۷۴، ص ۲۷۸.

^{۳۰} سوره علق، آیه ۱.

^{۳۱} سوره الرحمن، آیه ۱.

«هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ»^{۳۲}

آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند برابرند.

• تاریخچه آموزش در مسجد از صدر اسلام تا کنون

پیش از آنکه مدرسه‌ها و دانشگاه‌ها پدید آیند، مکان‌های آموزشی دیگری برای مسلمانان وجود داشت؛ برای مثال حلقه‌های آموزشی در جایی همچون مسجد، مکتب‌خانه، منزل دانشمندان، کتابفروشی‌ها، کتابخانه‌ها و حتی کاخ‌های شاهان برگزار می‌شد. در تاریخ اسلام، مسجد یکی از باسابقه‌ترین مکان‌های آموزشی است؛ زیرا از آغاز ظهور اسلام، مسجدی مرکزی آموزشی بود و عالمان و دانشمندان در مسجدالنبی، مسجدالحرام و دیگر مسجدها جمع می‌شدند و علاوه بر موعظه و نصیحت، انواع علوم دینی و ادبی را به مردم می‌آموختند. حتی مرکزهایی که بعدها با عنوان مدرسه‌های پیشرفته در کشورهای اسلامی تأسیس شد، از نظر بنا، تحت تأثیر معماری مسجد به وجود آمد^{۳۳}.

در تاریخ اسلام، از همان آغاز، آموزش با مسجد ارتباط داشت و مدرسه در اصل از مسجد منشعب می‌شد؛ زیرا در دهه‌های اول اسلام مسلمانان با دستورها و مهوم‌های دینی آشنا نبودند و لذا مسجد که برای عبادت و پرستش ساخته شده بود برای امور آموزشی نیز به کار می‌رفت. این آموزش هم شامل مسائل عقیدتی و هم آموزش خواندن و نوشتن (سوادآموزی) بوده است.

پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در نخستین فرصتی که برای تبلیغ و دعوت به اسلام به دست آورد، مسجد را تأسیس کرد تا پایگاه مهم اجتماعی و تربیتی‌اش باشد. از این رو، وقتی آن حضرت (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در راه هجرت از مکه به مدینه و در چند کیلومتری شهر مدینه بود، در محلی به نام «قبا»، مسجد معروف قبا را بنا نهادند. مسجدالنبی (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در مدینه نیز از نخستین مرکزهای علمی آموزشی تاریخ اسلام است که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) آن را پس از هجرت به مدینه بنا کرد. بنابر برخی روایات، در شهر مدینه، علاوه بر مسجدالنبی (علیه‌السلام)، نه مسجد دیگر وجود داشت که فعالیت‌های آموزشی داشتند. در این مسجدها، در کنار اجتماع دینی و مذهبی مسلمانان، حلقه‌های علمی نیز دایر بود که تأسیس آن‌ها از ابتکارهای فرهنگ اسلامی است و آن‌ها تحت تأثیر هیچ‌یک از فرهنگ‌ها و تمدن‌های دیگر نبودند.^{۳۴} بنابر برخی منابع، پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به مسجدهای دیگر برای تدریس مراجعه و نیز از مجلس درس مسجد قبا بازدید می‌کردند. اگر ایشان در کلاس‌ها اشکالی می‌دیدند، بی‌درنگ برای اصلاح آن اقدام می‌کردند. به‌طور کلی، در صدر اسلام، آموزش مسلمانان بیشتر به معنای آموزش آیات مقدسی بود که بر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نازل می‌شد؛ چنان‌که خداوند در قرآن کریم غالباً پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را با عنوان‌های «مبلغ»^{۳۵} و «معلم پیام آور»^{۳۶} خطاب می‌کند.

^{۳۲} سوره زمر، آیه ۹.

^{۳۳} «تعلیم و تربیت»، بخش ۲، ص ۲۳.

^{۳۴} «تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی»، ص ۶۲.

^{۳۵} سوره‌های مانده آیات ۶۷ و ۹۹ و نحل آیه ۳۵ و نور، آیه ۵۴.

^{۳۶} سوره‌های آل عمران آیه ۱۶۴ و جمعه، آیه ۲.

• جدایی آموزش از مساجد

با آنکه یکی از وظیفه‌های مهم مسجد، در سده‌های نخستین اسلامی، آموزش و تعلیم و تربیت بود، به تدریج، مسجد این وظیفه‌ی مهم خود را از دست داد و کار تدریس و تحقیق را به نهادهای دیگر سپرد. در قرن پنجم هجری قمری و به‌ویژه در سال ۴۹۵ ه.ق، چنین چیزی رخ داد که نقطه‌ی عطفی در تاریخ آموزش و پرورش اسلامی به حساب می‌آید. در این سال، اولین مدرسه با مدیریت دولت و برنامه‌ی آموزشی مشخص از سوی «خواجه نظام الملک طوسی»، وزیر سلجوقیان، در بغداد گشایش یافت. از آن پس، این مدرسه‌ها با عنوان نظامیه در منطقه‌های مختلف قلمرو اسلامی پدید آمدند و پادشاهان و بزرگان با تأسی از کار نظام الملک، برای رشد این مدرسه‌ها کوشیدند.

در جداسدن آموزش از مسجد و انتقال آن به مدرسه عامل‌های زیادی دخالت داشتند که به ذکر برخی از آنها می‌پردازیم:

۱- گسترش علوم و تنوع رشته‌های علمی در فرهنگ اسلامی بسیار بزرگ بود؛ به گونه‌ای که در همه‌ی زمینه‌های فلسفی، علمی، ادبی، هنری و فنی آن عصر توسعه یافت؛ از فقه و عرفان گرفته تا نجوم و شیمی و حتی شعر جاهلی و فن موسیقی.^{۳۷}

۲- افزایش تعداد دانش‌پژوهان و حلقه‌های درس و ایجاد مزاحمت برای کسانی که به جهت عبادت و پرستش به مسجد می‌آمدند، موجب انتقال محل آموزش از مسجد به مدرسه شد. این مسأله در مسجدی مانند الازهر مصر موجب شد که مسجد تقریباً فقط مکانی برای درس بشود و به‌جز نماز جمعه، نماز دیگری در آن برگزار نمی‌شد.^{۳۸}

۳- پیشرفت و گسترش دانش، موجب پدید آمدن عده‌ای شد که از راه تدریس امرار معاش می‌کردند؛ بنابراین اینان باید پژوهش و مطالعه‌ی بیشتری می‌کردند و از این رو برای رفع نیاز آنان به‌ناچار مدرسه پدید آمد.^{۳۹}

از سوی دیگر، سنت مسجد، بینش اسلامی و سابقه‌ی تاریخی اسلام نمی‌توانست تفکیک مطلق علم و دین یا مدرسه و مسجد را بپذیرد؛ زیرا اسلام همیشه چهره‌ای علمی داشت و خود بنیان‌گذار رشته‌های مختلف علمی بود. از این رو، برای تلفیق این دو امر، مدرسه‌ها را در کنار مسجدها ساختند؛ به گونه‌ای که مدرسه‌ها یکی از مؤسسه‌های وابسته به مسجد بود. به‌همین دلیل، بناهای بزرگی به نام مسجد-مدرسه ساخته شد؛ مثل: الازهر مصر، الحمراء اسپانیا و مسجد سپهسالار ایران.^{۴۰}

• تاریخچه‌ی کتابخانه‌های مسجدها

مسجدها در رهگذر کارکرد آموزشی خویش سهمی مهم در فرهنگ و تمدن اسلامی داشته‌اند؛ زیرا مسلمانان مسجد را محیط آموزشی کرده بودند و کتابخانه‌هایی در آن به‌وجود آورده بودند. گرچه بیشتر کتابخانه‌های مسجدها کوچک بودند، گاه برخی از مسجدهای بزرگ کتابخانه‌های بزرگ و مشهوری داشتند. تأسیس کتابخانه‌های بزرگ و معتبر در مسجدها به‌دلیل نیاز آموزش به کتاب و کتابخانه بوده است.

^{۳۷} «فلسفه تعلیم و تربیت»، ص ۲۹.

^{۳۸} «تاریخ آموزش در اسلام»، ص ۹۸.

^{۳۹} «تاریخ آموزش در اسلام»، ص ۹۹.

^{۴۰} «فلسفه تعلیم و تربیت»، ص ۲۸ و ۲۹.

پیوند مسجد و کتابخانه یکی از نقطه‌های قوت فرهنگ اسلامی است. مطالعه‌ی تاریخ مسجد نشان می‌دهد که مسجد و کتابخانه همواره همراه هم بوده‌اند. از همان آغاز که قرآن مکتوب شد، مسلمانان قرآن‌ها را به مسجد اهداء یا وقف می‌کردند. لذا ابتداء کتابخانه‌های مساجد با کتاب آسمانی مسلمانان، قرآن کریم، شکل گرفت.

کتابخانه‌های مسجدها نقشی مهم در ترویج فرهنگ غنی اسلام داشته‌اند. تاریخ تمدن اسلامی بیان‌گر این حقیقت است که کتابخانه، به‌مثابه‌ی نهادی فرهنگی و آموزشی از ارکان اساسی مسجدها بوده است. تأسیس کتابخانه در مسجدها باعث ارزشمندتر شدن و قدرت‌مندتر شدن مسجد می‌شود که همواره خلیفه‌ها و حاکمان اسلامی بدان توجه می‌کرده‌اند. (تاریخ کتابخانه‌های مساجد، ص ۱۳۶).

• ویژگی‌های آموزشی مسجد

۱- بعدهای فرهنگی و آموزشی مسجد رسالت اساسی آن است؛ از این رو مسجدی که نقشی مؤثر در زمینه‌های فرهنگی و آموزشی ایفا نکند، در حقیقت بخش مهمی از رسالت خویش را ادا نکرده است. چنان‌که حضرت علی (علیه‌السلام) مسجدی را که در آن بهره‌ای از هدایت، تبلیغ و ترویج دین نباشد، مسجد خراب بر شمرده است.^{۴۱}

۲- بی‌تردید شکوفایی علمی مسجد و طرح دانش‌های گوناگون در آن کمالی برای مسجد به‌شمار می‌آید؛ ولی پرداختن به این امور نباید سبب فراموشی وظیفه‌ی اصلی شود که پرداختن به دانش‌های دینی است.

۳- در صورتی می‌توان در مسجد درباره‌ی دانش‌های غیراسلامی صحبت کرد که دست کم دارای دو ویژگی باشند: یکی آنکه آموختن آن علم شرعاً روا باشد؛ دیگر اینکه حداقل سود دنیایی مشروع برای انسان داشته باشد.

۴- علوم قرآنی، در میان همه‌ی علوم دینی، اهمیتی ویژه دارد و قرآن و مسجد پیوندی خاص با یکدیگر دارند؛ چنان‌که پیامبر اکرم (علیه‌السلام) در این باره فرموده‌اند:

«إِنَّمَا نُصِبَتِ الْمَسَاجِدُ لِلْقُرْآنِ»^{۴۲} همانا مسجدها برای درک قرآن بنا شده‌اند.

در روایت دیگر آمده است:

«أَحَبُّ الْقُرْآنِ فَلْيَحِبِّ الْمَسَاجِدَ»^{۴۳} دوست‌دار قرآن دوست‌دار مسجد نیز هست.

• ویژگی‌های تربیتی مسجد

انسان معبد و مسجد را دوست دارد و بدان عشق می‌ورزد و از همین رو معصومان (علیهم‌السلام) در سخنان خویش مسجد را آشیانه و پناهگاه مؤمن بر شمرده‌اند.^{۴۴}

۱- حضور در مسجد تمرین توجه به خدا و آزمون ترک دنیا است؛ امتحان مبارزه با نفس و ترک گناهانی همچون غیبت، سخن‌چینی، بیهوده‌گویی و ...

^{۴۱} «نهج البلاغه صبحی صالح»، حکمت ۳۶۹، ص ۵۴۰.

^{۴۲} «بحار الانوار»، ج ۸۳، ص ۳۶۳ / «وسائل الشیعه»، ج ۳، ص ۴۹۳، ح ۱-۱. «الکافی (ط - الإسلامیة) / ج ۳ / ۳۶۹.

^{۴۳} «مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل / ج ۳ / ۳۵۵ / ۱.

^{۴۴} «مستدرک الوسائل»، ج ۳، ص ۳۶۱، ح ۱۴.

۲- آثار سازنده‌ی حضور در مسجد رفته‌رفته به دیگر کارهای انسان سرایت می‌کند؛ زیرا حضور در مسجد، به معنای حضور در خانگی خداست و به‌طور طبیعی کسی که با خانگی خدا انس دارد تلاش می‌کند تا در خارج از مسجد نیز عملکردی متناسب و همگون با حضور در مسجد داشته باشد.^{۴۵}

۳- انسان مؤمن علاوه بر زینت‌های مادی، در هنگام حضور در مسجد، باید به زینت‌های معنوی نیز توجه کند؛ یعنی به صدق و صفا و خلوص.^{۴۶}

۴- یکی دیگر از جنبه‌های مثبت حضور در مسجد معاشرت با انسان‌های صالح و مؤمن است که همچون دوستی خوب در سعادت انسان نقشی مهم دارند.

۵- مسجد با پرورش جمع‌گرایی در میان مسلمانان نظم‌پذیری را در آنان تقویت می‌کند.

۶- پرورش روح فروتنی در نمازگزاران مسجد سبب فروتنی مسلمانان می‌شود.

۷- احترام به امام جماعت، افراد مسن و سایر افراد مؤمن و محبت به کوچک‌ترها نیز از ویژگی‌های تربیتی مسجد است.

• توصیه‌ها و راهکارها برای احیای کارکرد آموزشی - تربیتی مسجد:

۱- گرچه وضعیت مسجدهای امروز با دوران صدر اسلام کاملاً تفاوت دارد اما هنوز مسجد بهترین مکان برای برگزاری برخی کلاس‌های آموزشی و تربیتی است؛ برای مثال برای آموزش، حفظ، قرائت و تفسیر قرآن و نیز برای نشر معارف و احکام اسلامی.

۲- مدیر فرهنگی مسجد می‌تواند از روزها و ماه‌هایی خاص (مثل ماه مبارک رمضان و محرم و صفر) که مردم در مسجد بیشتر حضور پیدا می‌کنند، استفاده کند احکام و معارف قرآن را بیان و افراد را ارشاد کند.

۳- مدیر فرهنگی مسجد می‌تواند با دعوت از متخصصان مسائل خانواده و مشاوران آگاه و متعهد برای خانواده‌ها کلاس‌های مشاوره تربیتی برگزار کند.

۴- مدیر فرهنگی برای تقویت کتابخانه‌ی مسجد باید به مردم بگوید به همان اندازه که مسجد به فرش و سایر امکانات نیاز دارد، به کتابخانه هم احتیاج دارد. گاه کتابی مناسب چنان تاثیری در تقویت بُعد اخلاقی و اعتقادی و علمی انسان می‌گذارد که اثر آن تا قرن‌ها پا برجا باشد.

۵- اگر امکان اختصاص جایی مناسب برای کتابخانه در مسجد یا در کنار آن وجود ندارد، می‌توان به‌طور موقت و با گذاشتن چند کمد زمینی بهره‌مندی علاقه‌مندان به کتاب را فراهم آورد.

۶- امام جماعت در کنار آموزش احکام و معارف اسلامی، باید ارزش و جایگاه علم را از دیدگاه قرآن و عترت روشن کند و نقش کتاب را در توسعه و ترویج علم مسلمان بیان کند.

^{۴۵}. همان، ص ۴۴۶، ح ۱۸.

^{۴۶}.سوره اعراف، آیه ۳۱.

۷- امام جماعت، در جایگاه مدیر فرهنگی، باید به خانواده‌ها بیاموزد که چگونه کتاب حس کنجکاوی کودکان و نوجوانان را ارضا می‌کند و موجب رشد و آگاهی و خلاقیت آنان می‌شود؛ و از همه مهم‌تر چگونه می‌توان با مطالعه زندگی بهتری داشت و فرزندان خوبی را تربیت کرد.

۸- برقراری ارتباط بین مسجد و مدرسه و برنامه‌ریزی هماهنگ با یکدیگر؛ به‌خصوص در شهرهای کوچک و مدرسه‌هایی که به مسجد نزدیکند.

۹- دعوت از هنرمندان، دانشمندان، شاعران، و نویسندگان برای سخنرانی و بحث و گفتگو.

۱۰- استفاده کردن از جوانان علاقمند به عنوان کتابدار و همکاری آن‌ها با کتابخانه‌ی مسجد.

۱۱- تبیین اهمیت کتابخوانی به کمک ائمه‌جماعت برای نمازگزاران؛ به‌خصوص کودکان و نوجوانان.

منبع: مرکز رسیدگی به امور مساجد